

راه کارهای توانمندسازی جوانان روستایی جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی شهرستان گرمسار

* نونا قناعت - دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده

امروزه توانمندسازی به عنوان یکی از دیدگاه‌های اساسی توسعه فردی و گروهی مورد توجه بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است. در این مقاله ضمن توجه به اهداف و گام‌های اساسی دستیابی به توانمندسازی به ویژه در مورد قشر جوان، عوامل و زمینه‌های جلب مشارکت آنها در زمینه حفظ و احیاء منابع طبیعی شهرستان گرمسار مورد بررسی قرار گرفته، مشکلات جلب مشارکت جوانان مشخص می‌گردد، همچنین این مقاله به بررسی برنامه‌های ترویجی منابع طبیعی شهرستان گرمسار می‌پردازد و مشخص می‌کند که این برنامه‌ها تا چه حد در رسیدن به توانمندسازی جوانان جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی موفق بوده است، یعنی این که تا چه حد افراد یا گروه‌ها را از وضعیت موجود و شرایط حاکم بر منابع طبیعی شهرستان آگاه نموده و تا چه حد برای رسیدن به وضعیت مطلوب اقداماتی آگاهانه و سازمان یافته انجام داده است در پایان نیز راه کارهایی ارائه داده و به نتایجی در این زمینه دست یافته است. شامل: انتقال ابتکارات و تفیض قدرت به جوامع روستایی با تکیه بر توانمندسازی جوانان، زمانی توانمندسازی جوانان در مسیر ترقی قرار می‌گیرد که اولاً جوانان روستایی خوداتکا شده باشند و ثانیاً مشارکت و خودیاری در بین آنها رواج یابد، اثربخشی برنامه‌های ترویجی در جهت حفظ و احیاء زیست‌بوم‌های طبیعی باید با توجه به پتانسیل و استعداد منابع طبیعی بوده تا در نهایت از تخریب آن جلوگیری کند. برنامه‌های منابع طبیعی شهرستان گرمسار با هدف حفاظت از منابع طبیعی از طریق توانمندسازی اجتماع محور با تکیه بر جوانان روستایی و محروم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جوانان روستایی، منابع طبیعی، شهرستان گرمسار، توانمندسازی جوانان

مقدمه

روز به روز به جمعیت جهان افزوده می‌شود و با افزایش جمعیت مسائل و مشکلات جوامع نیز حادث‌تر می‌گردد. از عمده‌ترین مشکلاتی که بشر با آن درگیر است مشکلات زیست محیطی است به طوری که بین تداوم بقاء انسان بر روی کره زمین و محیط طبیعی وی ارتباط و همبستگی شدیدی برقرار است. شدت این همبستگی به حدی است که نقصان در هر کدام از منابع می‌تواند به منزله نقصان در حیات انسانی تلقی شود (جمعه‌پور، ۱۳۷۸).

در این رهگذر تخریب منابع طبیعی بخصوص در کشورهای جهان سوم باعث فقر، گرسنگی، سیل، خشکسالی، از بین رفتن گونه‌های گیاهی، جانوری می‌شود و جان میلیون‌ها انسان را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهد. در کشورهای مختلف راه‌حل‌های متفاوتی برای رفع مشکلات زیست محیطی ارائه گردیده که موفقیت چندانی هم دربر نداشته است. در کشور ما نیز این مشکلات پیش روست، لذا باید برای آن چاره‌ای اندیشید و راه‌حلی پیدا کرد. یکی از راهکارهای حل مشکلات منابع طبیعی و زیست محیطی در کشور ما، مشارکت بهره‌برداران از منابع طبیعی در فعالیت‌های حفظ، اصلاح، احیاء، توسعه و بهره‌برداری از آن است و از راه‌های جلب مشارکت بهره‌برداران از منابع طبیعی می‌توان به تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی محلی اشاره کرد که این تشکل‌ها باید به دنبال توانمند کردن کلیه افرادی باشند که ارتباط تنگاتنگی با مسأله منابع طبیعی دارند. در ضمن توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد گروه‌ها و جوامع از وضعیت و شرایط حاکم بر آن آگاهی پیدا کرده و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، اقدامات آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند (کینلا، ۱۳۸۳). در زمینه توانمندسازی صاحب‌نظران زیادی وجود دارند از آن جمله: گاندی، ایوانس، کینلا، چلبی، سن، زوی، سالی، سیگل، رضائیان، محقق، و از سازمان‌ها می‌توان به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اشاره کرد که همگی بر افزایش آگاهی، کارایی، مشارکت و مشخص بودن اهداف و مسیر رسیدن به رفاه و خوشبختی بخصوص در مناطق روستایی تأکید کرده‌اند. هدف از این مقاله بررسی برنامه‌های ترویجی گرمسار و مشخص نمودن این موضوع است که برنامه‌های ترویجی تا چه حد در رسیدن به اهداف، که همان توانمندسازی جوانان در حفظ و احیاء منابع طبیعی شهرستان گرمسار است موفق بوده‌اند. یعنی تا چه حد افراد یا گروه‌ها را از وضعیت موجود و شرایط حاکم بر منابع طبیعی گرمسار آگاه نموده و تا چه حد برای رسیدن به وضعیت مطلوب اقداماتی آگاهانه و سازمان یافته انجام داده‌اند که این در راستای سیاست‌های کلی دولت در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) در امور اجتماعی است. در واقع برنامه‌های ترویجی زمانی می‌تواند مؤثر باشد که بتواند در فرد قابلیت شناسایی امکانات و مشکلات موجود را فراهم نموده و قدرت تصمیم‌گیری و حل مسأله را بدون آسیب به منابع طبیعی در فرد بالا ببرد و این همان مفهوم توانمندسازی است که ضمن حل مشکل به احیاء و حفظ منابع طبیعی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه حضوری با مسئولان منابع طبیعی و ترویج کشاورزی و تحلیل محتوا (استفاده از کتاب‌ها و مقالاتی که برای این منظور جمع‌آوری شده) استفاده کرده است. لذا با توجه به موضوع، مطالب مربوط به توانمندسازی مطالعه و با استفاده از ماتریسی به جمع‌بندی این موضوع در آنها پرداخته شده است. در این تحقیق منابع طبیعی اولین مبحث کلیدی محسوب می‌شود که عبارت است از کلیه منابع خدادادی و خودساخته‌ای که بشر در تولید اولیه آن نقش و سهمی نداشته و همواره به بهانه فن‌آوری نوین قادر به اعمال تأثیری در این منابع شده هر چند این تأثیر در جهت حفاظت و بهره‌برداری اصولی از آن منابع بوده اما متأسفانه باعث تخریب منابع بخصوص در کشور ما شده است (سازمان جنگل‌ها و مراتع، ۱۳۸۴). جنبه‌های مثبت استفاده از منابع طبیعی تجدیدشونده اعم از مراتع و جنگل‌ها عبارتست از: تفرج و تفریح در ایام تعطیل، تولید هوای تمیز و سالم، گردشگری، حفظ محیط زیست، افزایش میزان بارندگی، افزایش در آمد ملی، استفاده از پوشش گیاهی برای تعلیف دام استفاده از شاخ و برگ‌ها به عنوان کود گیاهی، بهره‌برداری از میوه‌های جنگلی، پرورش دام و تولید لبنیات، تهیه ذغال، زراعت در بخش‌هایی از جنگل، استفاده از چوب درختان، استفاده از تولیدات مرتعی مانند گیاهان دارویی، جلوگیری از بروز سیل و سوانح طبیعی، حفظ محیط زیست، چرای دام، لذت دیداری در هنگام مسافرت، امکان ایجاد اشتغال. جنبه‌های منفی استفاده از آن عبارتست از: تخریب و قطع درختان به هنگام گردش و آتش‌سوزی، استفاده بی‌رویه از درختان برای مصارف شخصی از جمله سوخت و احداث مسکن، بهره‌برداری‌های غیرمجاز از جنگل و منابع طبیعی، تخریب مراتع از طریق چرای بی‌رویه و کندن برخی از گیاهان، تعرض به مراتع جهت احداث منازل (طالب، ۱۳۷۸). نکته مهم این بحث مؤثر بودن برنامه‌هایی است که هدف آنها جلوگیری از انهدام منابع طبیعی تجدیدشونده است. به عبارت دیگر در نظر گرفتن معیاری که براساس آن، هدف حفاظت از منابع طبیعی تأمین شود و یا عملکرد واقعی برنامه‌های ترویجی ارزیابی گردد میزان عملکرد پروژه با توجه به هدف‌های از پیش تعیین شده مطرح می‌باشد. با ارزیابی برنامه‌های توانمندسازی جوانان در منابع طبیعی، می‌توان به این پرسش پاسخ داد که این برنامه‌ها با توجه به اهداف مورد نظر تا چه اندازه‌ای موفق بوده‌اند (سلمان زاده، ۱۳۷۹).

رشد فزاینده جمعیت، گسترش بی‌رویه شهرها، عدم آگاهی بهره‌برداران و فقدان برنامه‌ریزی اصولی، منابع طبیعی را از لحاظ کمی و کیفی کاهش داده است. امروزه خسارات ناشی از این تخریب به شکل‌های مختلف خود را نمایان ساخته‌اند از قبیل جاری شدن سیلابها در فصول بارندگی، افت سطح آبهای زیرزمینی، پر شدن مخازن سدها از رسوبات آبرفتی، تغییرات نامطلوب آب و هوایی و به هم خوردن تعادل زیست‌محیطی، کاهش فرآورده‌های جنگلی و مرتعی، گسترش کویرها و بیابان‌ها، از بین رفتن محیط زیست و حیات وحش. در اکثر مناطق روستایی ایران، روستائیان در ارتباط تنگاتنگ با منابع طبیعی هستند و بخشی از

ماینده خود مانند چوب ساختمانی، چوب سوخت، زمین های کشاورزی و ... را از آن تأمین می کنند و حتی عده ای با فروش بخشی از موارد ذکر شده امرار معاش می نمایند. برخی از فعالیت های ذکر شده در بسیاری از مناطق برخلاف استعداد اراضی و پتانسیل محیط زیست است که در نهایت باعث نابودی منابع طبیعی در کوتاه مدت و بروز سیل و فرسایش خاک در درازمدت می شود (سعدی، ۱۳۸۲).

دومین مبحث کلیدی این مطالعه توانمندسازی است و از آن توانمندسازی در بسیاری از محتویات و به وسیله بسیاری از مؤسسات مورد استفاده قرار گرفته است برای مثال در نوشته های توانمندسازی زمینه هایی از آموزش، کار اجتماعی، فیزیک، سیاست های آمریکا در دهه ۶۰ و گروه های اصلاح اجتماعی در شمال و جنوب یافت می شود. تعاریف متفاوتی از واژه توانمندسازی وجود دارد (Zoe & Sally, 1997).

جدول (۱) ماتریس عناصر توانمندسازی جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی

۱- ماتریس افراد

افراد	توانمندسازی	حفظ و احیاء منابع طبیعی	توانمندسازی	حفظ و احیاء منابع طبیعی	توانمندسازی	حفظ و احیاء منابع طبیعی
						افزایش آگاهی
						خودانگیزی
						مشارکت
						خودداری
						تصمیم گیری روشن
						افزایش رفاه
						سازماندهی فضای
						زیست خویش
						انجام کار گروهی
						اقتدار سیاسی
						خودباوری
						نوع دوستی
						حذف محدودیت ها
						ارتباطات
						رهبری
						ساختار
						فرایند
						تغییر
						ارزشیابی
						اطمینان و اعتماد
						وحدت

(منبع: یافته های حاصل از تحقیق، ۱۳۸۴)

ادامه ماتریس افراد

					بسیج اجتماعی
					خودمختاری
					تسهیم اطلاعات
					برنامه ریزی
					ریسک پذیری
					پشتیبانی مدیران
					کسب تجربه
					تقسیم کار
					اهداف مشخص
					تبادل اطلاعات
					دسترسی به دانش و فن آوری
					دارایی ها و تسهیلات اعتباری
					دسترسی به درآمدها

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۸۴)

۲- ماتریس سازمان‌ها

موضوع	منبع	برنامه چهارم توسعه (۸۱-۸۶)	وزارت تامین اجتماعی، ۱۳۸۵
اقدامات آگاهانه			
افزایش آگاهی			
مردم‌سالاری			
ایجاد اشتغال			
امنیت اجتماعی			
عدالت اجتماعی			

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق، ۱۳۸۴)

با توجه به ماتریس فوق به افزایش آگاهی از شرایط موجود (زوی و سالی، معین و از سازمان ها وزارت رفاه و برنامه های توسعه کشور) به عنوان اصلی ترین شاخص اشاره شده است. شاخص های بعدی عبارتند از مشارکت (گاندی، زوی و سالی، کینلا و معین اشاره کرده اند)، تصمیم گیری روشن (با توجه به ماتریس فوق زوی و سالی، معین و کینلا اشاره کرده اند)، ارتباطات (با توجه به ماتریس فوق معین، رضائیان و کینلا اشاره کرده اند)، اقدامات آگاهانه (سازمان تأمین اجتماعی و برنامه چهارم توسعه به آن اشاره کرده اند)، رهبری (معین و کینلا با توجه به ماتریس فوق به آن اشاره کرده اند)، فرآیند (با توجه به ماتریس فوق معین، رضائیان به آن اشاره کرده اند)، اهداف مشخص (با توجه به ماتریس فوق رضائیان و کینلا به آن اشاره کرده اند)، پشتیبانی مدیران (با توجه به ماتریس فوق رضائیان و کینلا به آن اشاره کرده اند)، بسیج اجتماعی و ارزشیابی (با توجه به ماتریس فوق معین، زوی و سالی به آن اشاره کرده اند)، وحدت (معین، کینلا و زوی و سالی با توجه به ماتریس فوق به آن اشاره نموده اند)، اطمینان و اعتماد (با توجه به ماتریس زوی و سالی به آن اشاره نموده اند).

با توجه به ماتریس فوق و نتایج حاصل از آن می توان توانمندسازی را چنین تعریف کرد: «توانمندسازی» فرآیندی است که طی آن افراد و گروه ها از وضعیت حاکم بر جامعه آگاهی پیدا کرده و از طریق مشارکت، رهبری افراد قابل اعتماد و اطمینان، ارتباطات مؤثر، بسیج اجتماعی، حفظ وحدت، پشتیبانی مدیران به اهداف مشخص و رفاه دست یابند و در نهایت این برنامه ها توسط خود مردم ارزشیابی قرار گرفته و اصلاح و بازنگری شود تا بدین طریق بر زندگی خویش کنترل بیشتری داشته باشند. توانمندسازی و برنامه هایی که در این زمینه انجام می شوند هدف کلی زیر را در بر می گیرند که شامل انتقال ابتکارات به جامعه روستایی با رویکردی در عدم تمرکز و تفویض قدرت است. با تأکید بر تواناسازی جوامع روستایی به منظور کنترل بیشتر بر زندگی خویش و افزایش دامنه انتخابات و بهره مند شدن از آنها را داراست. در واقع تقاضا از سوی جامعه روستایی برای احقاق حق توسعه یافتگی در بعد انسانی ضرورت پیدا می کند. جهت رسیدن به توانمندسازی ایده آل می باید ده گام اساسی و اصلی در این زمینه برداشته شود تا برنامه در جهت توانمند کردن اقشار جامعه مؤثر واقع شود. این گام ها عبارتند از: ۱- تعیین اهداف و دلایل تغییر ۲- تصمیم گیری ۳- تفویض اختیار به بهره برداران ۴- گروه های کاری خودگردان ۵- انتخاب بهره برداران مناسب ۶- تدارک ۷- گفتگو در مورد انتظارات آنها ۸- اجرای برنامه پاداش و قدردانی ۹- تبادل اطلاعات ۱۰- صبر داشتن (کینلا، ۱۳۸۳). سومین مبحث کلیدی این مطالعه را جوانان تشکیل می دهند؛ بنابراین در بافتی که بر مبنای قدرت مشارکت جوانان آغاز به کار کرده است باید تغییرات چشم گیری را در ساختار اجتماعی و سازمانی آنها شاهد باشیم (Kruger, 2002).

امروزه دولت ها با بحران هایی در محیط های رشد جوانان روبه رومی شوند مانند سیستم های آموزشی مخصوصاً مدارس، خانواده ها، مراکز اقتصادی و ... که بی توجهی به همه این ها در نهایت باعث افزایش نرخ بیکاری، افت تحصیلی و ترک تحصیل جوانان و مصرف مواد مخدر

توسط آنها می‌شود، تاکنون پاسخ‌های سنتی داده شده در این زمینه به شکل مداخله‌گرایانه، همراه با محرومیت، فاقد مزیت و دیر هنگام بوده‌اند و کمتر بر روی راه‌حل‌های طولانی مدت و مستمر سرمایه‌گذاری کرده‌اند که هدفشان تغییرات روشمند (سیستماتیک) در روش‌هاست که خود شامل توسعه اجتماعی، خانوادگی، تأمین مایحتاج دوران کودکی، توسعه مدارس، خدمات‌رسانی به جوانان، آموزش شغلی و اشتغال آنها، توسعه اجتماعی اقتصادی و همچنین تغییر در شکل هم‌نشینیان می‌باشد.

در نتیجه توسعه جهانی، در ساختار اجتماعی آن تغییرات بنیادینی در سطح روستاها به عنوان قسمتی از ساختار اجتماعی روزمره ایجاد می‌شود که بر تمام جنبه‌های زندگی شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، سیاسی و جوان تأثیر می‌گذارد. توسعه همه‌جانبه و پایدار افراد باید مطرح شود و توسط خود افراد، اجراء و حفظ شود؛ مشارکت در جامعه دقیقاً در ارتباط تنگاتنگی با یادگیری، تربیت، آموزش فرصت‌های کاری در طول زندگی افراد است. این آموزش‌ها شامل توسعه دانش، آگاهی، بینش، مهارت، اعتماد به نفس در جهت آگاهی از توانمندی‌ها و قابلیت‌هایشان به منظور قبول مسئولیت و مشارکت در اجتماع است که این خود نیازمند حمایت در تمام زمینه‌های توسعه شخصی، محلی، ملی و جهانی است. پس می‌باید جوانان را قادر ساخت که به جای قربانی شدن، نمایندگان فعالی گردند که این امر در نتیجه تغییرات نگرشی، سبک زندگی، قابلیت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی، شغلی شکل می‌گیرد. در گذشته برای رشد جوانان خدمات و مسئولیت‌های ناقصی را پیشنهاد می‌کردند که شامل تقسیم ارزش‌ها بود در صورتی که توسعه فعالیت و کاری مشترک است؛ بنابراین اثرات محدودی را به همراه دارد. مؤسسه بین‌المللی در برنامه اصلی اش با نام برنامه «هم‌نشینیان انتقال دهنده» به این نتیجه رسیده است که حجم جمعیت جوانانی که در جوامع فقیر زندگی می‌کنند افزایش یافته است و این جمعیت با ابتکارات کوچک و محدود تغییر نخواهند کرد؛ طرح‌های اشتغال، تلاش‌های مدرسه، فعالیت‌های سازمان یافته اجتماع هیچ یک به تنهایی قادر نخواهند بود روند توسعه این جوانان را توضیح دهند به بیان دقیق‌تر وجود یک تعهد وسیع، گسترده و بی‌سابقه جهت پرداختن به نظم نیروهای در حال رشد ضروری می‌باشد؛ علاوه بر این چنین تعهدی نیاز به بلندپروازی، همکاری طولانی میان مدت مقامات دولتی، محلی، همسایگان، رهبران، کارفرمایان، سرمایه‌گذاران و مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه خواهد داشت. مؤسسه بین‌المللی جوانان از دیدگاهی حمایت می‌کند که در هر جوان به پنج منبع اصلی که لازمه عضویت وی در جامعه است مرتبط گردد؛ حداقل فرد بالغی که متعهد به رفاه او باشد، محل امنی برای خواب، بازی، یادگیری کار، شروع یک سبک زندگی سالم، مشارکت در خدمات‌رسانی و کمک به دیگران، ارتباط با امر اقتصاد توسط آموزش. «برنامه‌های بین‌المللی توانمندسازی جوانان» قدرت را به معنای داشتن حق انتخاب و نیز تلاش برای

انتخاب آگاهانه در قالب اطلاعاتی وسیع و تحلیل گزینه‌ها می‌داند. قدرت جوانان در سطح شخصی و اجتماعی دقیقاً در ارتباط با چهار راهبرد: وحدت، مشارکت عمومی و خصوصی، خدمات منسجم، کاربرد یک شیوه کلی نگر می‌باشد (Kruger, 2002).

برنامه‌های بین‌المللی توانمندسازی جوانان متعهد به تأثیر در جوانان با استعدادی است که در خطر نادیده گرفته شدن قرار دارند؛ گروه‌های اصلی از کسانی تشکیل شده‌اند که سابقه‌ای طولانی در فقر و ناتوانی دارند. ایوانس بیان می‌کند محرومیت اجتماعی مسئولیت زیان انحصاری در خانواده‌ها را به جامعه انتقال می‌دهد و عاملی است که مانع پیشرفت فرد و گروه‌های خاص می‌شود. در این راستا روش ظرفیتی سنی را بیان می‌کند: جهت اطمینان دادن به مردم در دسترسی یکسان به توانایی‌های پایه نظیر توانایی سالم بودن، تغذیه خوب، خانه، هماهنگی با جامعه و مشارکت در آن، لذت از اصول اجتماعی و برخورداری از احترام، مردم را به تلاش فرامی‌خواند. در واقع توانمندسازی فرآیندی پویا و پیچیده است که منجر به توسعه در توانایی‌های جمعی و فردی می‌شود. در واقع برنامه‌های بین‌المللی توانمندسازی جوانان فعالیتی مدون در سطح محلی و ملی به منظور پی‌گیری روند قدرت جوانان جهت اجرای طرح‌هایی برای دستیابی به توانمندی‌ها به شیوه‌ای خاص است. از طرفی این برنامه‌ها مستقیماً بر قدرت‌گیری شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قانونی جوانان به واسطه فعالیت‌هایی که به ارتقاء سطوح مختلف زندگی آنان کمک می‌کند تأکید دارد این سطوح عبارتند از: فرصت‌های یادگیری دائمی و در سراسر عمر، فرصت‌های اقتصادی شامل مؤسسات اقتصادی کوچک، مشارکت‌های فعال در تصمیم‌گیری‌های مهم، شهروندی فعال براساس ارزش‌های آزادیخواهانه، مالکیت جوان بر پیشرفت‌هایش. اهدافی که برنامه‌های بین‌المللی توانمندسازی جوانان دنبال می‌کنند شامل مفاهیم زیر می‌باشد:

- ۱- قابلیت: که دارای مهارت‌های درکی، اجتماعی، احساسی جوانان است.
- ۲- اعتماد به نفس: که دارای احساس عزت نفس و آگاهی از پیشرفت فرد در زندگی است.
- ۳- شخصیت: که دارای احساس تصمیم‌گیری و عملکرد در زندگی است.
- ۴- ارتباط: دارای احساس قلبی، امنیت و تعلق خاطر در اجتماع است. در واقع تأکید اصلی برنامه‌های توانمندسازی جوانان بر روی پرورش جوانان در بافت اجتماعی‌شان است به طوری که متعهد به مشارکت و قدرت‌دهی به جوانان در حال رشد شوند و ابتکارات و عملکردهای آنها را با هدف تأثیر در زمینه‌های مرتبط از طریق روش‌های توانمندسازی براساس جامعه، کلی‌نگری، مشارکت در بخش‌های مختلف و ارزشیابی به عنوان کلید اساسی انجام دهند.

مفهوم توانمندسازی جوانان

موضوع اصلی بر سر عوامل کم‌توانی و ناتوانی جوانان در زمینه حفظ و احیاء منابع طبیعی است که می‌توانند در این مورد مقتدر باشند ولی این گونه نیستند و این که چگونه می‌توان آنها را مقتدر کرد؟ و نهایتاً تجزیه فرآیند توانمندسازی جوانان از کدامین راه مؤثرتر خواهد بود؟

«توانمندسازی» فرآیندی است که منابع لازم را که همان استفاده بهینه از منابع طبیعی موجود می باشد فراهم می سازد و با پیروی از اصول شایسته سالاری که انتخاب افراد شایسته، ایجاد گروه های خودگردان، تفویض اختیار به افراد مناسب و گفتگو در مورد انتظارات و نیازهای جوانان روستایی می باشد، تلاش می کند تفکری مطلوب نسبت به تغییر و دلایل تغییر را در آنها ایجاد نماید و با استفاده از برنامه های پاداش و قدردانی اعتماد آنها را جلب کند و با مشارکت آنها به تدوین برنامه ای آموزشی بپردازد که ضمن اجرای آن حس استقبال از مشکلات، صبور بودن در مقابل آن و گرفتن تصمیمی مقتضی را در افراد ایجاد نماید. گزارش پیشرفت بشر در سال ۱۹۹۵ درباره مزایای توانمندسازی چنین بیان می کند که: توسعه می باید به وسیله مردم انجام شود نه برای آنها. بنابراین هر کسی باید کاملاً در تصمیمات و فرآیندهای جامعه شرکت کند تا به زندگی شکل دهد و این دقیقاً نگرشی مثبت نسبت به توانمندسازی را ایجاد می کند. دادن اختیارات به جوانان برای این که انتخاب های خود را امتحان کنند اگر چه به نوبه خود اهمیت چندانی ندارد اما اصلی ترین راه در هماهنگی بین رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه است. توانمندسازی جوانان شامل مبارزه با مشکل هایی است که میلیون ها نفر را مجبور می کند تا واژه های غیرمنصفانه جامعه شان را قبول کنند یا این که با حق و حقوق فردیشان مخالفت کنند (Zoe & Sally, 1997).

جو روی لندس بیان کرده است: توانمندسازی فرآیندی از پایین به بالاست و نمی تواند از بالا به پایین انجام شود و از فعالیت های بیرونی نمی توان انتظار داشت که نتایج مثبتی را که از توانمندسازی به دست می آید، توسط گروهی به گروه دیگر منتقل کند در صورتی که تلاش های بعدی در جهت حفظ فعالیت های قبلی ادامه داشته باشد. از این رو برنامه های توسعه ایالت متحده اخیراً توافقی را در زمینه اهداف توسعه داشته است که شامل الزامات دفاع کردن و ارتقاء دادن توانمندسازی جوانان در تصمیمات اقتصادی و سیاسی در همه سطوح زندگی و در ساختارهای اجرایی بین المللی، ملی و محلی آنها می باشد؛ در این برنامه ها پیشنهاد شد که توانمندسازی از طریق افزایش توان تصمیم گیری جوانان و حمایت از مهارت ها و دانش جوانان در زمینه فعالیت های درآمدزا انجام شود که اهداف آتی را در نظر دارند بنابراین توانمندسازی به عنوان پیشرفت حقوق جوانان در نظر گرفته شده است. محققان در این زمینه در اواسط دهه ۸۰ دریافتند برای این که پیشرفت بر روی افراد فقیر خصوصاً جوانان فقیر تأثیر داشته باشد، نیازمند مراحل پیشرفت متناوب با نیازهای اصلی و تغییرات مختلف جهانی است و با انجام طرح هایی در سطح جهان سوم، دریافتند که مشکل اصلی در مشارکت جوانان در مراحل پیشرفت و رشد است که ناشی از تنگدستی، اختلافات و بحران های استفاده از منابع و سوءاستفاده از این جوانان می باشد؛ لذا می باید در اعتقادات جوانان بهبود مثبتی ایجاد کرد اما این برای توانمندسازی آنها کافی نیست. فعالیت های گروهی و توسعه سازمان های بین المللی با تمرکز بر روی جوانان، متعهد به توانمند کردن آنها از طریق برنامه های زیر می باشند: ۱- برنامه های مداومی که توانایی مدیریتی جوانان را توسعه دهد، ۲- طرح های

تولید سلامت، ۳- برنامه‌های تولیدی جوانان به خصوص دختران جوان، ۴- طرح‌های حمایتی با تمرکز بر حقوق قانونی و اقتصادی جوانان.

در این زمینه اهداف ایده‌ی (The Ilo Rytpe) به وجود آوردن شرایط استخدامی برای افراد جوان به وسیله مهار پول از طریق اعتبارات تجاری و موافقت‌نامه‌هایی برای شروع کار است بدین منظور می‌باید دولت جوانان را تشویق و قدرت اعتماد به نفس را در آنها ایجاد و شغل‌های کوچک را تأسیس نماید. این موضوع در مورد جوانان شهرستان گرمسار که چهارمین کلید اساسی این طرح می‌باشد مطرح است. در واقع شهرستان گرمسار در ۹۰ کیلومتری استان تهران، در استان سمنان واقع شده است که دارای منابع طبیعی فراوانی است و از موقعیت راهبردی بالایی بخصوص از لحاظ مرتع و دام برخوردار است و درصد بالایی از دام را به خود اختصاص داده است. چرای بی‌رویه، بوته‌کشی بیش از حد، بیابان‌خیز بودن منطقه، کمی باران و کمبود آب، طوفان‌های شنی، اشتغال بیشتر افراد به کشاورزی و دامداری بدون رعایت اصول حفظ و احیاء منابع طبیعی باعث تخریب این منابع خدادادی شده است. لذا برنامه‌های آموزشی منابع طبیعی گرمسار در زمینه توانمندسازی قشر جوان روستایی در قالب طرح ایجاد جنگل، بیابان‌زدایی، تعادل دام و مرتع، اشتغال‌زایی فرعی مانند کشت باریجه، گون، زرشک و انواع گیاهان دارویی در مراتع، برنامه‌های ضمن خدمت برای کارمندان، برنامه‌های آموزشی به بهره‌برداران در زمینه‌های روستایی، جنگل، مراتع و بیابان‌زدایی است که در جهت استفاده بهینه از منابع طبیعی انجام شده است. طرح‌هایی نیز در زمینه توانمندسازی منابع طبیعی در شهرستان گرمسار در دست اقدام است که شامل: طرح ایجاد جنگل، طرح بیابان‌زدایی و طرح‌های مرتعی است، که جهت مشارکت جوانان در برنامه‌های توانمندسازی منابع طبیعی با چالش‌های اساسی روبرو شده است (اداره منابع طبیعی شهرستان گرمسار، ۱۳۸۴). چالش‌های اساسی گرمسار به دو گروه اصلی ماهیتی و ساختاری تقسیم می‌شوند و هر یک از این چالش‌ها خود دارای تقسیم‌بندی‌های زیر می‌باشند:

۱- چالش‌های ماهیتی

این چالش در سطح منابع طبیعی گرمسار شامل:

۱- چالش‌های آموزشی: با توجه به این که بیشتر بهره‌برداران و شرکت‌کنندگان در کلاس‌های آموزشی دامداری بالای ۴۰ سال هستند و تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان را جوانان تشکیل می‌دهند مشکلات آموزشی این شهرستان شامل عدم گرایش جوانان به انجام کار پدری به دلیل طرز لباس پوشیدن، نوع صحبت کردن و وجود الفاظی از قبیل چوپان، روستایی و غیره می‌باشد بنابراین در کلاس‌های آموزشی نیز شرکت نمی‌کنند. شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها افراد بالای ۴۰ سال می‌باشند و به ندرت در این کلاس‌ها جوانی دیده می‌شود و آن هم هنگامی است که جوان به دلیل از دست دادن پدر برای تأمین مایحتاج خود و خانواده‌اش مجبور به ادامه شغل پدری خود می‌شود.

۲- چالش‌های برنامه آموزشی: دومین چالش ماهیتی که منابع طبیعی شهرستان گرمسار در برخورد با جوانان با آن روبروست چالش‌های برنامه‌ریزی برای آموزش دادن به این قشر اندک ۱۰ تا ۲۰ درصدی است و خود این چالش به دلیل عوامل زیر اتفاق می‌افتد:

الف) آموزش: اغلب برنامه‌های آموزشی برای بزرگسالان انجام می‌گیرد بنابراین بزرگسالان رده سنی ۴۰ تا ۶۰ سال را شامل می‌شود در کنار آنها جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند؛ مشکل اینجا است که اگر بخواهیم این کلاس‌ها را مخصوص بزرگسالان تهیه کنیم پس تکلیف جوانان شرکت‌کننده چه می‌شود؟ اگر هم قرار به تفکیک است در این صورت سنخیت کاری از بین می‌رود. مثلاً اگر در کلاس‌های بزرگسالان، جوانان حق شرکت نداشته باشند در این صورت فعالیت پدران و پسران با هم همخوانی نخواهد داشت و اختلاف و تعارض پیش خواهد آمد.

ب) عدم اعتماد به کارشناسان دولتی: چون کارشناسان مراکز دولتی به قول‌هایی که می‌دهند کمتر عمل می‌کنند.

ج) مشغله روستائیان: روستائیان به دلیل مشغله زیاد فرصت شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی را نخواهند داشت لذا می‌باید عواملی جهت جلب مشارکت آنها در برنامه‌ها استفاده شود؛ این عوامل انگیزشی چندروزی بیشتر نمی‌توانند فرد را جذب کنند و در صورت عدم تجانس برنامه‌ها با شغل فرد، فرد به سرعت کلاس‌ها را ترک می‌کند و مشکل حادثتر می‌شود چون فرد شرکت در این نوع کلاس‌ها را اتلاف وقت دانسته و با ترک آنها هرگز در کلاس‌های دیگری شرکت نخواهد کرد.

د) وجود مخالفین: مخالفان همیشه بیشتر از موافقین خرابکاری می‌کنند. مثلاً فردی که درختان جنگل را قطع می‌کند کارشناس طرح حفظ جنگل‌ها، به فرد تذکر داده و شاید او را از این کار منع می‌کند و این آغاز مخالفت فرد با کارشناس خواهد بود؛ این فرد می‌تواند نظر دیگران را نیز در مورد شرکت در طرح‌ها تغییر دهد.

ه) عدم تفهیم مطالب: از آن‌چه کارشناس می‌گوید فرد چیز دیگری دریافت کند.

ی) عدم مهارت: عدم مهارت فرد کارشناس که باعث بی‌اعتمادی افراد روستایی نسبت به او می‌شود.

۳- چالش‌های تصمیم‌گیری: این موضوع چالش ساختاری سوم می‌باشد؛ اغلب تصمیم‌گیری‌ها و طرح‌های پیشنهادی از طرف دولت، از بالا بوده و نیازهای فردی جوانان روستایی را در بر نمی‌گیرد لذا مورد استقبال آنها هم واقع نمی‌شود؛ هنگامی که جوان روستایی هیچ مشارکتی در تهیه برنامه‌ها نداشته باشد، تمایلی هم به اجرای آن نشان نمی‌دهد (که تا سال ۷۵ به این صورت بوده از آن زمان سعی شده تا حدودی از مشارکت روستائیان در طرح‌ها استفاده شود ولی هنوز به طور کامل انجام نشده است).

۲- چالش‌های ساختاری

چالش‌های ساختاری منابع طبیعی شهرستان گرمسار شامل:

۱- چالش‌هایی در سطح طرح‌های منابع طبیعی: پیاده کردن طرح‌هایی که از بالا دیکته

می‌شوند، با پذیرش روستائیان روبرو نخواهد شد چون اغلب این طرح‌ها براساس نیاز مخاطب نیستند بنابراین می‌باید کارشناسان روستایی با نیازسنجی طرح‌ها را براساس نیازها و علایق جوانان روستایی تهیه نمایند و مقامات بالا فقط اعتبار را تأمین کنند.

۲- از بین رفتن نظام‌های بنه‌داری: در دوره‌های قدیم هر ایل، بزرگ یا سر ایلی داشته که تمام افراد ایل از او حرف شنوی داشتند و چون سر ایل مالک زمین (مرتع) بوده لذا مانع از تخریب آن می‌شده است؛ بعد از انقلاب با از بین رفتن این نظام، تخریب مراتع و منابع طبیعی سرعت گرفت تا این که در طی سال‌های اخیر به این موضوع توجه شده است.

۳- طرح‌هایی که اجرا می‌شوند اغلب دارای مشکلات اساسی زیر است:

۱- تخصص کارشناسان کم است؛

۲- عدم اعتماد روستائیان به کارشناس و طرح‌های وی؛

۳- براساس نیازسنجی دقیق پی‌ریزی نمی‌شوند و نیاز روستایی در نظر گرفته نمی‌شود بنابراین طرح را روستائیان نمی‌پذیرند و باعث شکست طرح یا برنامه آموزشی می‌شود، در بعضی مناطق تا حدودی از طرح‌ها استقبال شده است، دلیل آن نیز استفاده از عواملی چون: بیمه، تسهیلات بانکی و تسهیلات دیگری است که برای روستائیان در نظر گرفته می‌شود.

۴- چالش‌های ابزاری و امکانات:

۱- فرد روستایی اغلب ترجیح می‌دهد به جای استفاده از روش‌ها و ابزارهای جدیدی که کارشناسان آن را توضیح می‌دهند از شیوه‌های قبلی بهره‌برداری از منابع طبیعی استفاده کند؛ عدم تمایل روستایی به استفاده از ابزار به دلیل قیمت گران آن است.

۲- پیشنهاد استفاده از ابزار کمتر به صورت عملی به نمایش درمی‌آید که در این صورت زیاد میسر نخواهد بود.

۳- عدم مهارت کارشناس در استفاده از ابزار و امکانات؛ تا زمانی که خود کارشناس مهارت استفاده از آن را نداشته باشد چگونه می‌تواند یادگیری مهارت را انتقال دهد.

۴- کم بودن نوآوری در این زمینه.

برنامه‌های آموزشی برای توانمندسازی جوانان روستایی در سطح منابع طبیعی شهرستان گرمسار به منظور حفظ و احیاء منابع طبیعی بسیار کم بوده و موفقیت چندان هم دربر نداشته است.

پیشنهادات

با توجه به آن چه که در متن در رابطه با توانمندسازی جوانان و چالش‌های منابع طبیعی، بخصوص اداره منابع طبیعی شهرستان گرمسار آورده شد، می‌توان در زمینه توانمندسازی جوانان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

۱- کاربرد سازوکارهایی که باعث افزایش مشارکت جوانان در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی آنها می‌شود، اصلاح بخش‌های مختلف و دیگر فعالیت‌های مثبت‌گرا در زمینه

جوانان.

۲- تعلیم و تربیت به منظور فعالیت‌های مختلف جوانان و حساسیت‌های جنبی آنان، کار با جوانان در بخش‌های مختلف و بهبود سیاست‌های سازمان‌های درگیر با جوانان.

۳- برگزار نمودن طرح‌های حمایتی که تمرکز اصلیش بر جوانان محروم روستایی باشد و هدفش آشناسازی جوانان با حق و حقوق قانونی، اقتصادی، اجتماعی آنان باشد و همچنین اجرای طرح‌های انگیزشی جهت تشویق جوانان به مشارکت به طوری که از اصول پاداش‌دهی به جوانان فعال برخوردار باشد.

۴- برنامه‌ها یا طرح‌هایی را در سطح منابع طبیعی شهرستان پیاده کنند که براساس نیازها و مشکلات عمده جوانان بوده تا ضمن افزایش انگیزه آنها برای شرکت در طرح‌های مشارکتی، بتوانند مشکلات اساسی آنها را حل نمایند که شامل بیکاری و گرایش‌های منفی مثل اعتیاد است.

۵- استفاده از طرح‌هایی که بتواند در زمینه‌های منابع طبیعی شهرستان گرمسار بخصوص در مراتع تنوع زیستی ایجاد کنند و درآمدا باشند مثلاً تنوع در کاشت گیاهان علوفه‌ای مثل کشت باریجه، کشت گیاهان دارویی، زرشک، گون گل‌ها، تا جوانان علاقمند به کار در طرح‌ها شرکت فعال داشته باشند.

۶- ایجاد فرصت‌هایی برای ارتباط چهره به چهره جوانان روستایی گرمسار با جوانان موفق روستاهای دیگر مناطق، جهت ایجاد حس اطمینان و اعتماد به طرح‌های منابع طبیعی.

۷- اجرای طرح‌های تسهیلگری در سطح روستاها به منظور گفتگو در مورد نیازها و علایق جوانان، تبادل اطلاعات، به روز کردن دانش افراد جهت توانمند کردن جوانان و افزایش توان تولیدی آنها مانند توان ارزیابی مشارکتی روستایی و مدارس مزرعه‌ای کشاورزی.

۸- مشارکت دادن آنها در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها جهت افزایش توان مدیریتی و مشارکتی جوانان روستایی و محروم که در نتیجه باعث ایجاد نیروهای خلاق در سطح محلی شده و مانع از مهاجرت آنها می‌گردد.

۹- برپانمودن تعاونی جوانان روستایی و حمایت دولت از آنها تا ضمن تحریک و افزایش حس مشارکت جوانان، مانع از خروج سرمایه‌های محلی شده و انباشت سرمایه را در سطح محلی به همراه داشته باشد؛ این امر باعث توانمند کردن جوان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مهم زندگی می‌شود.

۱۰- برگزار نمودن کارگاه‌های آموزشی برای جوانان تا با امکانات بالقوه روستای خویش آشنا گردند، مشکلات و نیازمندی‌های آن را تشخیص دهند، در نتیجه جهت رفع چالش‌های منابع طبیعی طرح‌هایی را پیش‌بینی نمایند و اقدامات آگاهانه و سازمان‌یافته‌ای را با مشارکت هم در جهت حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی منطقه انجام دهند.

۱۱- توسعه جهانی در روستاهای گرمسار بر تمام جنبه‌های زندگی فرد اعم از شخصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیطی، فناورانه تأثیر گذاشته و در نتیجه باعث تغییر در طرز

تفکر و نگرش جوان روستایی نسبت به زندگی شده است لذا لازم است که برنامه‌های طراحی شده، توسعه همه جانبه و پایدار افراد را در نظر گرفته باشد و براساس خواسته‌های آنان بوده و توسط خود افراد حفظ و اجرا شود که این امر ارتباط تنگاتنگی با یادگیری و آموزش دارد.

نتیجه‌گیری

- ۱- انتقال ابتکارات و تفویض قدرت به جوامع روستایی با تکیه بر توانمندسازی جوانان به منظور کنترل بیشتر آنها بر زندگی خویش و افزایش دامنه انتخاب و بهره‌مند شدن از آنهاست که این نوع تقاضا از سوی جوانان روستایی برای احقاق حق خود از بعد انسانی ضرورت می‌یابد.
- ۲- زمانی توانمندسازی جوانان در مسیر ترقی قرار می‌گیرد که اولاً جوانان روستایی خوداتکاء شده و ثانیاً مشارکت و خودیاری در بین آنها رواج یابد.
- ۳- زمانی طرح‌های منابع طبیعی گرمسار می‌تواند موفق واقع شود که جوانان روستایی زمینه‌هایی جهت بروز خلاقیت‌ها پیدا کنند تا بتوانند تصمیم‌گیری‌هایی را برای شکل دهی به فضای زیستی خویش، افزایش رفاه و خوشبختی خود در راستای تحقق سیاست‌های توسعه منطقه اتخاذ نمایند.
- ۴- اثربخشی برنامه‌های ترویجی در جهت حفظ و احیاء زیست‌بوم‌های طبیعی، باید با توجه به پتانسیل و استعداد منابع طبیعی بوده تا در نهایت از تخریب آنها جلوگیری کند.
- ۵- برنامه‌های منابع طبیعی شهرستان گرمسار با هدف حفاظت از منابع طبیعی از طریق توانمندسازی اجتماع محور، با تکیه بر جوانان روستایی و محروم باشد.

منابع

- ۱- اداره منابع طبیعی شهرستان گرمسار (۱۳۸۴).
- ۲- جمعه پور، م (۱۳۷۸). «فرآیند توسعه پایدار و نقش مشارکتی مردمی در مدیریت و بهره‌برداری بهینه و پایدار از منابع طبیعی (براساس ارزیابی میدانی طرح‌های مشارکتی آبخیزداری)». مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی مشارکت و توسعه، دیماه ۱۳۷۸، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی.
- ۳- سعدی، ح (۱۳۸۲). «راهنمای عملی مشارکت و ترویج منابع طبیعی». تهران: نشر پونه.
- ۴- سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۷۸). «بخ منابع طبیعی». شبکه اطلاع‌رسانی پیام.
- ۵- سلمان زاده، س (۱۳۷۹). «فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی». تهران: دانشگاه تهران مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی سمنان، ۱۳۷۲، اداره برنامه‌ریزی و مطالعات بررسی نقش و شیوه‌های مشارکت مردمی در امر بیابان‌زدایی.
- ۶- طالب، م (۱۳۷۸). «ماهیت مشارکت در منابع طبیعی»، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی مشارکت و توسعه، دیماه ۱۳۷۸، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی.
- ۷- کینلا، ب (۱۳۸۳). «توانمندسازی منابع انسانی»، ترجمه: مهدی ایران‌نژاد پاریزی، تهران: نشر مدیران.
- ۸- محقق معین، م (۱۳۸۴). «توانمندسازی اجتماع محور»، سایت اینترنتی: <http://www.moein.net>.
- ۹- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۴). «فقر و نابرابری در ایران، سایت گذاری برای رفاه

10- Kruger, Angelika, (2002). "Youth empowerment within the context of YEPP", YEPP program director.

11- Zoe Oxaal and Sally Baden, (1997). "Gender and empowerment: definitions, approaches and implications for policy", University of Sussex